

خواجہ تاجدار

ژان گور

ترجمہ و اقتباس: ذیح اللہ منصوری

www.ketab.ir



مؤسسہ انتشارات نگاہ

تأسیس: ۱۳۵۲

سرشناسه	گور، ژان nZha ,rafi Gu
عنوان و نام پدیدآور	خواجہ تاجدار/ژان گور؛ ترجمہ: ابوالحسن علی محمد منصورى.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نگاه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۱۲۱۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۲۶۷-۲۴۶-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: .shah Xacg
یادداشت	کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.
موضوع	آغا محمد قاجار، شاه ایران، ۱۱۵۵-۱۲۱۱ ق. -- داستان
موضوع	ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. -- داستان Fiction -- History -- Iran, Qajars, ۱۷۷۹ - ۱۹۲۵
شناسه افزوده	منصورى، ذبیح‌الله، ۱۲۸۸ - ۱۳۶۵، مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۳۳DSR
رده بندی دیویی	۰۸۱/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۸۸۴۰۴۵۱

خواجۀ تاجدار

ژان گور

ذبیح الله منصوری

ویرایش: دفتر انتشارات نگاه

چاپ مکرر (اول نگاه): تیر ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: اطلس چاپ

چاپ: شاهین

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۷-۲۴۶-۱

با اشراف علی عسگری - رکیل خانواده منصوری
بر چاپ آثار ذبیح الله منصوری



مؤسسه انتشارات نگاه

حق چاپ محفوظ است.

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

فروشگاه: خیابان کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۴۰

تماس: ۸۸۴۹۰۱۳۸-۸۸۴۹۰۱۹۵

negahpub1@gmail.com

●www.negahpub.com ●negahpub ●newsnegahpub

فهرست

۱۱.....	سخن ناشر.....
۱۳.....	سخنی با همراهان.....
۱۵.....	ستاره دنباله دار و نوزاد بدون دنباله.....
۲۸.....	شیرزنی به نام جیران.....
۴۳.....	رئیس طایفه قاجار در حضور حکمران مغرور نادر.....
۵۰.....	چگونه مأموران وصول مالیات مردم را عاصی می کنند.....
۶۱.....	توطئه قتل نادرشاه.....
۷۲.....	آخرین شب پادشاهی و زندگی نادرشاه.....
۸۱.....	پایان کار نادر؛ پسر شمشیر با شمشیر.....
۹۴.....	سرنوشت گنجینه نادرشاه در کلات.....
۱۰۳.....	مظالم عادل شاه!.....
۱۱۳.....	بازگشت ایل قاجار به استرآباد.....
۱۲۱.....	میرزامهدی خان؛ منشی نادرشاه.....
۱۲۷.....	جنگی بین دو طایفه قاجار.....
۱۳۵.....	سوء استفاده حاکم استرآباد از جنگ دو طایفه.....
۱۴۱.....	سرانجام کار عادل شاه.....
۱۴۶.....	سلطنت شاهرخ میرزا نوۀ نادرشاه.....

- آنجا که مصلحت اقتضا می کند انسان با قاتل جدش هم متحد می شود ۱۵۱
- شاهرخ شاه از محمد حسن خان کمک خواست ۱۶۰
- جنگ شاهرخ شاه با ابراهیم خان ۱۷۰
- قتل عام سکنه قم ۱۸۰
- اولین توطئه در مشهد علیه شاهرخ شاه ۱۸۶
- زیباترین مرد جوان ایران و نوۀ نادر شاه را چگونه کور کردند ۱۹۰
- قیام رئیس طایفه قاجار ۲۰۰
- روزگاری که چهار پادشاه بر ایران سلطنت می کردند ۲۰۹
- مبارزه کریم خان زند با قحطی اصفهان ۲۲۵
- سلطنت شاه سلطان حسین ثانی به دست میرزامهدی استرآبادی ۲۳۰
- سلطنت آزادشاه در اصفهان ۲۵۹
- محمد حسن خان قاجار در صدد اشغال تهران برآمد ۲۷۷
- آقامحمدخان قاجار در سن سیزده سالگی ۲۸۱
- محمد حسن خان قاجار کشته شد ۲۹۵
- کریم خان زند دستور داد آقامحمدخان را دستگیر کنند ۳۰۶
- نخستین شجاعت فوق العاده آقامحمدخان در میدان جنگ ۳۱۱
- چگونه آقامحمدخان قاجار را خواجه کردند ۳۱۷
- آقامحمدخان قاجار در حضور کریم خان زند ۳۲۳
- آقامحمدخان یک دانشمند بود ۳۳۱
- زندگی آقامحمدخان قاجار در شیراز ۳۳۹
- مرگ جیران و مسافرت آقامحمدخان قاجار به استرآباد ۳۴۴
- خان قاجار و صید روباه ۳۵۷
- مشورت کریم خان زند با آقامحمدخان ۳۶۴
- اطلاعات و معلومات آقامحمدخان ۳۷۲
- طغیان برادر آقامحمدخان قاجار ۳۸۴
- «کاکا نوروز» شاطر ۳۹۸

۴۰۵	حسین قلی خان و گری بایدوف و نیروی دریایی
۴۱۰	آقامحمدخان در شاهچراغ بست نشست
۴۱۶	مقدمات قتل جهانسوزشاه
۴۲۶	آقامحمدخان مرگ کریم خان راپیشبینی کرد
۴۳۱	فرار آقامحمدخان به تهران
۴۴۵	روایات دیگر راجع به مسافرت آقامحمدخان
۴۵۱	موضوع حمله حاکم زندیه به قزوین
۴۶۱	علی مرادخان زند شکست خورد
۴۷۱	شکست ذوالفقار خان امیر خمسه
۴۷۷	فرستاده آقامحمدخان در لاریجان
۴۸۲	رضاقلی خان به فکر سلطنت افتاد
۴۹۱	حاجیخان حلالخور از آقامحمدخان حمایت کرد
۵۰۱	مذاکره برای کشتن آقامحمدخان قاجار
۵۱۶	اختلاف برادران آقامحمدخان
۵۲۶	رفتار جوانمردانه آقامحمدخان نسبت به برادرش رضاقلی خان
۵۳۲	بر تخت نشستن آقامحمدخان در مازندران
۵۴۱	چگونگی حکومت زندیه در فارس
۵۵۱	محاصره شیراز از طرف علی مرادخان زند
۵۶۶	محاصره تهران از طرف آقامحمدخان قاجار
۵۷۶	تیراندازی با تفنگ در دویست سال قبل
۵۸۲	چرا مردم بر آقامحمدخان شوریدند؟
۵۹۱	آقامحمدخان قاجار و سر نادرشاه
۵۹۶	چگونه شیخ ویس خان را نابینا کردند
۶۰۲	آقامحمدخان دوباره تهران را محاصره کرد
۶۰۷	طغیان اهالی قم و محاصره شهر
۶۱۸	تقی خان زند مردی که با شهادت کشته شد

- آقامحمدخان قاجار تهران را پایتخت کرد..... ۶۲۳
- کتاب خوان آقامحمدخان قاجار به او چه داد؟..... ۶۲۸
- شورش حاکم گیلان..... ۶۳۶
- لطفعلی خان زند شاهزاده زیبا و دلیر..... ۶۵۱
- برادر آقامحمدخان شورش کرد..... ۶۵۹
- فتح مجدد تهران..... ۶۶۳
- جعفرخان زند را چگونه کشتند..... ۶۷۰
- آقامحمدخان برادر خود را کور کرد..... ۶۷۷
- گم شدن سپاهیان در بیابان..... ۶۸۴
- جنگ خواجه قاجار با لطفعلی خان زند..... ۶۹۰
- لطفعلی خان زند یک زمامدار روشن فکر بود..... ۷۰۴
- ضریح طلایی که آقامحمدخان ساخت..... ۷۱۱
- قتل جعفرقلی خان، برادر آقامحمدخان..... ۷۱۴
- آقامحمدخان قاجار در اردبیل و تبریز..... ۷۱۹
- توطئه قتل آقامحمدخان..... ۷۲۷
- اظهار نظر درباره عمل بیگلربیگی..... ۷۴۸
- جنگ لطفعلی خان زند با خانابا جهانبانی..... ۷۵۳
- لطفعلی زند بعد از عقب نشینی..... ۷۷۰
- عبور شهریار زند از یک بیابان وحشت انگیز..... ۷۹۹
- چگونگی احضار شتران در بیابان..... ۸۱۶
- دربه دری خان زند در بیابان های مرکزی ایران..... ۸۲۶
- جنگ با تقی خان یزدی..... ۸۳۸
- جنگ «خرمن کوه»..... ۸۵۳
- لطفعلی خان زند به کرمان رفت..... ۸۶۲
- محاصره تاریخی کرمان به دست آقامحمدخان..... ۸۶۹
- شدت قحطی در شهر کرمان..... ۸۸۴

سخن ناشر

در باب ضرورت بازخوانی ذبیح‌الله منصوری

ذبیح‌الله منصوری از آن دسته مترجم مؤلفانی است که طرفداران و منتقدان بسیاری دارد. او فعالیت مطبوعاتی یادش در نوزده سالگی (۱۲۹۳) آغاز کرد و تا سال ۱۳۶۵ که در ۹۰ سالگی درگذشت آثاری پرشمار «حقی کرد» که اکثراً در زمره آثار پرفروش بوده و هست. همه می‌دانیم چنان می‌نوشت که کنار گذاشتن کتاب برای خواننده دشوار بود. ذوق ادبی و تخیل او از گاه کوه می‌ساخت و همین نکته حتی در همان حواشی منتقدان بسیاری یافت. می‌دانیم که بسیاری از این نقدها درست است و بسیاری شاید از روی کینه و سخت‌گیری؛ اما چه چیزی در کار است که خوانش دوباره آثار او را برای ما ضروری می‌کند؟

در پاسخ به این پرسش دو نکته را باید در نظر گرفت. اول نکته‌ای است که زنده‌یاد کریم امامی در کتاب از پست و بلند ترجمه بدان اشاره می‌کند: «راستی‌راستی آدم باید کتابفروش باشد تا قدر و قیمت ذبیح‌الله منصوری را بشناسد. من کتابفروش هر وقت دست می‌کنم و از زیر میز یک سینه‌بسته تمیز و خوشگل درمی‌آورم و با هزار منت به مشتری می‌دهم برایش طلب آمرزش می‌کنم. در این ایام کساد و کمبود کاغذ و کم شدن تخفیف‌های فروش، فقط منصوری است که ما را نجات می‌دهد.... آیا زمان آن فراتر رسیده است که این چهره عبوس و در عین حال برجسته مطبوعات معاصر را جدی بگیریم و در چند و چون احوالش تأملی بکنیم؟ «مترجم شهیر» و «نویسنده پولساز» هر دو القابی است واقعاً برانزده قلم کارساز این مرد سخت‌کوش و ظاهراً بی‌ادعا که هر چند خودش از میان ما رفته است، چنین مقدر به نظر می‌رسد که چندین میلیون واژه‌ای که از ذهن پرکارش بیرون جوشیده، سال‌های سال خوانندگان فارسی‌زبان را مشغول کند».